آشنایی با گروههای افراطی کشمیر

حجت الاسلام والمسلمین مصطفی اسکندری

کشمیر منطقه‌ای در شمال غربی شبه‌قاره هند است که از ایالت جامو و کشمیر تحت کنترل هند، ایالت گلگت-بلتستان و کشمیر آزاد تحت کنترل پاکستان و منطقه اقصی چین تحت کنترل جمهوری خلق چین تشکیل می‌شود. منطقه کشمیر تا پیش از استقلال هندوستان در سال ۱۹۴۷ یک دولت سلطنتی تحت‌الحمایه بریتانیا داشت. در جریان جدایی پاکستان از هند هر دو کشور مدعی حکومت بر این منطقه بودند که به وقوع چندین جنگ بین این دو کشور انجامید. بر این اساس، سالیان سال است که این دو کشور بر سر این منطقه دعوا دارند. بخشی از این دعوا از طریق جنگ‌های نیابتی و به وسیله گروه‌های مورد حمایت این دو کشور انجام می‌گیرد. به همین جهت بازار گروه‌های افراطی در کشمیر پر رونق است.

زمینه شکل گیری گروه های تکفیری

منطقه کشمیر به لحاظ اینکه منطقه‌ای اختلافی بین هند و پاکستان است، طبیعتاً زمینه لازم برای شکل‌گیری گروه‌های افراطی وابسته به هر یک از این دو کشور را دارد. اما علاوه بر این، زمینه شکل گیری گروه‌های افراطی مسلمان در کشمیر را باید در اموری همانند احساس خطر رژیم وهابی آل سعود از انقلاب اسلامی ایران و احیاء مجدد ژئوپولیتیک شیعه، ترس از گسترش تشیع و در نهایت اشغال افغانستان توسط شوروی، جستجو نمود.[1]

زمینههای مذکور موجب شکل گیری گروههای افراطی متعددی در کشمیر شده که به مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود.

الف: گروه سواد اعظم

این گروه که جزء اولین گروه های افراطی پاکستان است، دارای پایگاه اجتماعی حنفی دیوبندی است و مشی ضد شیعه دارد و به همین دلیل در زمان جنگ عراق علیه ایران، این گروه مورد حمایت صدام نیز

بود.

گروه سال 1980 به رهبری مولوی سلیم ا خان، بر مبنای اختلاف عقیدتی با شیعیان، در کراچی اعلام موجودیت کرد و اولین جنایتش را نسبت به شیعیان «لالوکهیت» یا همان لیاقت آباد کنونی در همان سال انجام داد. سپاه صحابه بازوی اجرایی این گروه بود. فتوای قتل شیعه از جانب این گروه صادر شد و اجرا آن توسط سپاه صحابه بود. این گروه چون در مقابل شیعیان می ایستاد، مورد تأیید ضیاء الحق بود چون شیعیان مخالف سیاست شرعی سازی ضیاء الحق بودند. بیشترین اعضای گروه را روحانیون دیوبندی تشکیل می دادند.

این گروه خواستار این بود که پاکستان خود را به عنوان کشوری سنی و حکومت آن را نیز به عنوان حکومتی سنی اعلام نماید.

گروه سواد اعظم به خاطر دارا بودن چنین عقاید افراطی علاوه بر وجوهات و کمک های مردم پاکستان مورد حمایت مالی سرمایه دارهای کشورهای خلیج، به ویژه عربستان هم بود. همچنان که تندرو بودن گروه موجب توجه دنیای غرب به آنان شد، زیرا حکم جهاد علیه شوروی را به راحتی از آن گروه گرفتند و اقدام علیه شیعه موجب حمایت روزافزون عربستان از آنان شد.

گروه علاوه بر ایجاد انشقاق بین شیعه و سنی بین بریلویها و دیوبندیها نیز ایجاد انشقاق نمود و زمینه رادیکالیزه شدن و امنیتی شدن پاکستان را فراهم نمود. ضمناً ایجاد تنش و چالش در روابط بین ایران و پاکستان را نیز سبب گردید. البته اخیراً از دشمنی با بریلویها به ظاهر دست برداشته اند. این گروه جز اقدامات ضد شیعه فعالیت دیگری ندارد.[2]

ب: گروه جیش محمد

«جیش محمد»، «ارتش محمد»، «ارتش پیامبر»، «مجاهدان تنظیم»، «جماعت الفرقان»، «تحریک الفرقان»، و «خدام الاسلام» همه نامهای مختلف این گروه هستند.

جیش محمد از جانب سه تن از رؤسای مدارس مذهبی یعنی مفتی نظام الدین شوزئی از مجلس تعاون اسلامی، مولانا مفتی رشید احمد از دارالافتاء و الارشاد، و مولانا شیرعلی از شیخ الحدیث دار الحقانی مورد تصدیق قرار گرفت. منطقه فعالیت گروه، جامو و کشمیر است و توسط مولانا مسعود اظهر در 31 ژانویه

2000 میلادی در کراچی شکل گرفت. ابتدا نام گروه «حرکة الجهاد الاسلامی» بود بعد «حرکة الانصار» شد و بعد «حرکة المجاهدین» و در نهایت «جیش محمد» نام گرفت و پس از حمله به پارلمان هند در سال 2001 میلادی نام آن به «تحریک الفرقان» تغییر یافت. پس از ممنوعیت گروه در سال 2002 گروه به دو شعبه تقسیم شد. «خدام الاسلام» به رهبری مسعود اظهر، و «جماعة الفرقان» به رهبری عبدالجبار که هر دو نیز در سال 2003 میلادی توسط دولت پاکستان ممنوع اعلام شدند. مسعود اظهر سپس نهادی به نام «الرحمه» تأسیس نمود و از فعالیت های نظامی جیش محمد حمایت نمود.[3]

مهم ترین خصیصه کارکردی جیش محمد، بیگانه ستیزی به ویژه مخالفت با هند و ناتوست. به زعم برخورداری مولانا مسعود اظهر از احساسات ضد شیعه، وی مخالف حمله به شیعیان و اماکن مذهبی آنهاست. مسعود اظهر معتقد است نباید علیه شیعیان اقدامات خشونت آمیز انجام داد. او اظهار داشت که همه مسلمانان جزو یک پیکرند و آسیب رساندن به هر یک از قسمت های این بدن در حکم آسیب رساندن به کل بدن است.

این گروه از طریق نشریه «القلم» و مجله کودکان با عنوان «بچه مسلمان» مواضع خود را به اطلاع مخاطبانش می رساند.[4]

مرکز عمده فعالیت جیش محمد در «فیصلآباد« و «پیشاور» می باشد و عمده اردوگاه های آموزشی آن نیز (به خصوص قبل از حمله آمریکا به افغانستان) در افغانستان قرار داشت.[5]

ج: گروه انصار الاسلام

انصار الاسلام گروهی محلی و محدود است که نیروهای خود را از درون قبایل «دره تیرَه» در در منطقه قبیله ای «خیبر» جذب می کند، و در بیرون از منطقه خیبر نیز هیچ حضور و عملکرد قابل ملاحظه ای ندارد.

مؤسس گروه یک واعظ سنی(حنفی) بریلوی، به نام «پیر سیف الرحمان» است و از سال 2005 از طریق یک ایستگاه رادیوی غیر قانونی به سخنرانی و جنگ لفظی با «مفتی منیر شاکر» دیگر واعظ اهل سنت که دیوبندی بود می پرداخت. با بالا گرفتن اختلاف بین این دو پیر، سیف الرحمان گروه انصار الاسلام و مفتی منیر شاکر گروه لشکر اسلام را تأسیس کردند[6] ، و همین امر زمینه‌ساز درگیری بین این دو گروه را فراهم آورد به نحوی بر اساس آمار از سال 2004 تا 2012 حدود پانصد شبه نظامی و غیر نظامی در اثر

درگیریـ های لشکر اسلام و انصار الاسلام کشته شدند.[7]

عمده ترین مناطق فعالیت و عملیات انصار الاسلام که حدود 150 تا 300 نفر عضو دارد، مناطق قبایلی خیبر و به ویژه نواحی «تیرَه» و تا حدودی «بارا» میـ باشد.[8]

انصار الاسلام ارتباط با سایر گروه های افراطی پاکستان را رد میـ کند، ولی مخالف مواضع «تحریک نفاذ شریعت محمدی» و «لشکر جهنگوی» نیست. با طالبان محلی پاکستان رابطه خصمانه ای دارد که یک بار به درگیری نظامی نیز انجامید. از نظر این گروه فعالیت القاعده در مناطق قبایلی موجب تشدید خشونت ها و مداخله سایر کشورها میـ شود و لذا با آن مخالفند. از دیدگاه این گروه تشکل هایی مانند «جمعیت العلماء»، «جماعت اسلامی» و «مسلم لیگ» عملاً بخشی از ارتش محسوب میـ شوند. رهبران انصار الاسلام «مولوی فضل الرحمان» را یک منافق میـ دانند. ارتش و حاکمان سیاسی را نیز متحد کفار، و شریک جرم ناتو و آمریکا در حمله به افغانستان میـ دانند، بدین جهت معتقدند حمله به نیروهای امنیتی و ارتش و پلیس مشروع است.

ایدئولوژی این گروه اسلام سنیـ(حنفی) بریلوی است و مهم ترین مؤلفه های ایدئولوژیک انصار الاسلام، تأکید بر «جهاد» و «اجرای شریعت» است که از طریق دموکراسی هم اجرا نخواهد شد.[9]

د: گروه لشکر اسلام

لشکر اسلام نماد جنبشی اجتماعی از طرف ضعفا و زیردست ماندگان اجتماع قبیلهـ ای، علیه مالکان و فئودالـ ها میـ باشد. پس زمینه پذیرش این گروه در بین مردم فقر اقتصادی است. رهبر گروه «منگال باغ» از قبیله «سپاه» یکی از قبایل «طایفه آفریدی» است. او از ثروتمندان میـ دزدد و به فقرا کمک میـ کند و همین موجب جذب جوانان بیکار به اوست.

این گروه در سال 2004 میلادی توسط مفتی «منیر شاکر» تأسیس شد. رهبر کنونی گروه «منگال باغ آفریدی» است که سابقه جنگ با اشغالـ گران شوروی را نیز در پرونده خویش دارد. بعد از بازگشت از جنگ عضو حزب «عوامی ملی» گردید که صبغه ناسیونالیستی و سکولار داشت و آنتیـ تز احزاب بنیادگرا بود. مدتی نیز عضو جماعت های تبلیغی بود و عضویت او در جماعت تبلیغی او را در کنار منیر شاکر قرار داد. منگال باغ یک ناسیونالیست پشتون است.[10]

منگال باغ در سال 2008 با همکاری گل بهادر، ملانذیر و حاجی نامدار، اتحاد طالبان محلی را به قصد مقابله با تحریک طالبان ایجاد کرد. علی الظاهر آی اس آی نیز به منظور مهار طالبان پاکستان از لشکر اسلام حمایت می کند.

منیر شاکر که از علمای دیوبندی است پیوسته پیر سیف الرحمن را که پیرو مکتب بریلوی، و بنیان گذار گروه «انصار الاسلام» بود، تقبیح می کرد.[11]

لشکر اسلام، مانند دیگر گروه های سلفی، برداشتی ساده انگارانه و ظاهر بینانه از نص مقدس دارد و با چنین برداشت بنیادگرایانه ای از اسلام، تفسیری خشک از آن ارائه می دهد. این گروه علاوه بر دغدغه اجرای شریعت، دغدغه برقراری عدالت، آن هم با تفسیری مساواتطلبانه از مذهب را نیز دارد.

سرّ مخالفت لشکر اسلام با انصار الاسلام به مذهب وهابی این گروه برمیگردد که مخالف هر نوع باطنیگریِ بریلوی است.[12]

گروه لشکر اسلام هزینه‌های مالی خود را از طریق کمک های مردمی، مجبور کردن مردم به پرداخت وجه، و تعیین جریمه برای برخی اَعمال تأمین می‌کند. برای مثال، برای ارتکاب قتل شش هزار دلار، برای استفاده از آنتن ماهواره ششصد دلار، برای ترک نماز در پنج وعده شش دلار، جریمه تعیین کرده است.[13]

[1] . ر. ک: جریان‌های افراطی در پاکستان، ص 504.

[2] . ر. ک: جریان‌های افراطی در پاکستان، ص 504 و 505.

[3] . ر. ک: جریان‌های افراطی در پاکستان، ص 510.

[4] . ر. ک: جریان‌های افراطی در پاکستان، ص 516.

[5] . ر. ک: جریان‌های افراطی در پاکستان، ص 524.

[6] . ر. ک: جریان‌های افراطی در پاکستان، ص 525.

[7] . ر.ک: جریان‌های افراطی در پاکستان، ص 526.

[8] . ر.ک: جریان‌های افراطی در پاکستان، ص 527.

[9] . ر.ک: جریان‌های افراطی در پاکستان، ص 527 و 528.

[10] . ر.ک: جریان‌های افراطی در پاکستان، ص 533 و 534.

[11] . ر.ک: جریان‌های افراطی در پاکستان، ص 537.

[12] . ر.ک: جریان‌های افراطی در پاکستان، ص 538.

[13] . ر.ک: جریان‌های افراطی در پاکستان، ص 541 و 542.